

چکیده گزارش سه طرح پژوهشی درباره برنامه‌ریزی زبانی

پیشگفتار

«برنامه‌ریزی زبانی»^۱ که یکی از حوزه‌های اصلی دانش میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی اجتماعی به‌شمار می‌آید، فعالیت‌ی آگاهانه است که به‌سبب نیاز به یافتن راه حل برای یک مسأله زبانی انجام می‌گیرد (هاگن، ۱۹۶۶، به نقل از مدرسی، ۱۳۶۸) و در تعریفی دیگر به مجموعه فعالیت‌های سیاسی و اجرایی برای حل مسائل زبان اطلاق می‌شود (پرنود و داس‌گوپتا، ۱۹۷۱، به نقل از مدرسی، ۱۳۹۱). نوردکویست (۲۰۱۷) برنامه‌ریزی زبانی را اقداماتی می‌داند که سازمان‌های رسمی برای تأثیرگذاری بر کاربرد یک یا چند زبان در یک جامعه زبانی معین انجام می‌دهند. این اقدامات ممکن است متوجه جایگاه آن زبان یا گونه زبانی نسبت به زبان یا گونه زبانی دیگر، یا متوجه شرایط درونی آن زبان با انگیزه تغییر آن شرایط باشد. تلاش نخست به برنامه‌ریزی جایگاه می‌انجامد و دومی به برنامه‌ریزی بدنه زبان (وارداف، ۱۳۹۳: ۵۶۸؛ مدرسی، ۱۳۹۱: ۲۸۲). وارداف (۱۳۹۳: ۵۶۸-۵۶۹) در تعریف برنامه‌ریزی جایگاه، به تغییر نقش یک زبان یا گونه‌ای از آن و حقوق کسانی که آن را به کار می‌برند اشاره می‌کند. برنامه‌ریزی بدنه زبان به گسترش یک زبان یا گونه‌ای از یک زبان با هدف معیارسازی اشاره می‌کند. نخستین بار هاگن^۲ زبان‌شناس آمریکایی بود که اصطلاح «برنامه‌ریزی زبانی» را در سال ۱۹۵۹ به کار برد. برنامه‌ریزی زبانی سابقه‌ای طولانی دارد و می‌توان به نمونه‌های متعددی در تاریخچه زبان در این خصوص اشاره نمود. به‌عنوان نمونه، می‌توان به تأسیس آکادمی‌های زبانی در قرن ۱۶ اشاره کرد که زبان‌های محلی اروپایی را برای مقابله با تسلط زبان لاتین ترویج می‌کردند. با وجود این، پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای چندزبانه و تازه استقلال یافته در آفریقا و آسیا با این پرسش مواجه شدند که چه زبانی باید به‌عنوان زبان اجرائی و آموزشی آن‌ها انتخاب گردد. در این زمان بود که برنامه‌ریزی زبانی به مثابه حوزه‌ای مجزا از زبان‌شناسی اجتماعی ظهور پیدا کرد و طبقه‌بندی و مدل‌های تبیینی خود را به وجود آورد. استانداردسازی زبان، انتخاب زبان ملی همچنین پشتیبانی از تنوع زبانی و حفظ زبان‌های اقلیت مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در حیطه برنامه‌ریزی زبانی در چند دهه اخیر بوده‌اند (دومرت، ۲۰۰۱: ۶۴۴).

به‌عنوان نمونه‌ای از اهمیت برنامه‌ریزی زبانی در جوامع و کشورهای مختلف می‌توان به گستردگی سازمان‌ها و نهادهایی اشاره کرد که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در فرایند برنامه‌ریزی زبانی دخیل هستند. رابین (۱۹۷۹) ۱۵۳ سازمان‌های متولی برنامه‌ریزی زبانی را در ۷۶ کشور و برای ۷۰ زبان مختلف معرفی کرده‌است.

1 Language Planning

2 E. Haugen

براساس تقسیم‌بندی دومینگوئز^۱ و لوپز^۲ (۱۹۹۵) مراکز و نهادهای دخیل در برنامه‌ریزی زبانی در دو دسته کلی نهادهای ملی، شامل مراکز و نهادهای محلی، استانی، منطقه‌ای و ایالتی، و نهادهای بین‌المللی که ورای مرزهای جغرافیایی یک کشور عمل می‌کنند، قرار می‌گیرند. در سطح ملی ۵۰۹ مرکز مرکز برنامه‌ریزی زبانی و در سطح بین‌المللی ۱۱۳ مرکز برنامه‌ریزی زبانی در کشورهای مختلف معرفی شده‌اند.

پرسش اصلی اینست که چرا برنامه‌ریزی زبان در اغلب کشورهای جهان دارای اولییتی بالاست و چرا در ایران این امر باید اهمیت بیشتری نیز داشته باشد. پاسخ کوتاه اینست که باآنکه زبان مهم‌ترین وسیله ارتباط انسانی، اندیشیدن و بیان و انتقال مفاهیم و دانش‌هاست، هنوز برای اجرای چنین نقشی در جوامع، مسائل و مشکلات بسیاری وجود دارد. کشور ایران نیز با داشتن مجموعه‌ای بسیار متنوع از زبان‌ها، گویش‌ها و فرهنگ‌ها و پیشینه‌ای غنی و طولانی از ادبیات زبانی مشترک و وحدت‌بخش یعنی فارسی، نیاز به یک نقشه راهبردی جامع و پایدار و سیاست زبانی منسجم و روشن در چارچوب اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۳ و مبتنی بر دانش و پژوهش و اجماع صاحب‌نظران و کارشناسان دارد.

گویش‌های رایج در ایران و مسئله گویش‌های درخطر

در ایران سه خانواده زبانی اصلی شامل شمار بزرگی زبان و گویش رواج دارند. «زبان‌های ایرانی» متعلق به خانواده زبان‌های هند و اروپایی، «زبان‌های ترکیک» (از خانواده آلتایی) و «زبان‌های سامی»^۴ (از خانواده آفریقا-آسیایی) است. زبان ملی ایران، یعنی فارسی، در اصل گویشی از ناحیه فارس بوده‌است و در حدود ۱۰۰۰ سال با الفبای فعلی تاریخ مکتوب دارد و در بیشتر شهرهای اصلی و نیز در شمال شرقی ایران رواج دارد. گویش‌های مرتبط با زبان فارسی در قبایل فارس و لر در جنوب ایران نیز مشاهده می‌شود. اشمیت^۵ (۱۹۸۹: ۲۹۴-۲۹۵) سایر گونه‌های زبان‌های ایرانی را به این شرح طبقه‌بندی می‌کند: ۱. کردی در غرب؛ ۲. تاتی^۶ و تالشی^۷ در شمال غربی؛ ۳. گیلکی^۸ و مازندرانی^۹ در شمال رشته‌کوه‌های البرز؛ ۴. گویش‌های مرکزی اطراف همدان، تهران، اصفهان و یزد؛ و ۵. بلوچی در جنوب شرقی ایران. بیشتر این زبان‌ها و گویش‌ها از زبان فارسی کاملاً متمایزند و درک متقابل میان آن‌ها وجود ندارد. گروه زبانی بزرگ دیگر ترکیک است که گویش‌های آن شامل آذری^{۱۰} در شمال غرب (آذربایجان)،

1 F. Dominguez

2 N. Lopez

۳ - اصل ۱۵ - زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

4 Semitic

5 R. Schmitt

6 Tati

7 Talishi

8 Gilaki

9 Mazandarani

10 Azeri

اُزبکی^۱ در نواحی ترکمن^۲ شمال شرق و گونه زبانی ترکی که در میان ترک‌زبانان در فارس در جنوب غرب به‌ویژه اقوام قشقایی^۳ و خمسه^۴ رواج دارد. زبان ترکی در سایر نواحی نیز از شمال شرق تا جنوب غرب در کنار جمعیت ایرانی‌زبان دیده می‌شود. این دو گروه همپوشی قابل توجهی با یکدیگر دارند.

گروه سوم زبان‌های سامی هستند که گویشوران عرب‌زبان خوزستان در شمال غرب و نواحی مختلف حاشیه خلیج فارس و ساحل مکران^۵ و بعضی از چادرنشینان قوم خمسه فارس به این زبان صحبت می‌کنند (اینگهام^۶، ۲۰۰۶: ۱۶-۱۷).

علاوه بر زبان‌های فوق، برخی از اصلی‌ترین زبان‌های اقلیت که در ایران رواج دارند، عبارت‌اند از: ارمنی^۷، گرجی^۸، سریانی^۹، نسطوری^{۱۰}، گویش عربی جمعیت یهودی، گونه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی که توسط غربتی‌ها^{۱۱} و کولی‌های^{۱۲} ایران صحبت می‌شود و براهویی (اینگهام، ۲۰۰۶: ۱۶-۱۷؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۰: ۵۵۶).

پایش، گسترش و تقویت زبان فارسی به عنوان زبان رسمی، معیار و مشترک

برنامه‌ریزی زبان با جایگاه، منزلت، تقویت بدنه و برنامه آموزشی یک زبان پیوند نزدیک دارد. کشور ایران به عنوان کشوری چند زبانه و چند قومیتی نیازمند بازنگری در سیاستگذاری‌های زبانی و برنامه‌ریزی زبانی است تا با ایجاد عدالت زبانی در امر آموزش، تقویت بیش از پیش زبان ملی و رسمی به‌عنوان یکی از عناصر حفظ انسجام کشور در کنار حفظ و تقویت گویش‌های محلی به‌عنوان میراث فرهنگی کشور ایفای نقش کند.

در بیشتر کشورها فرهنگستان‌های زبان از سازمان‌های اصلی متولی برنامه‌ریزی زبانی به شمار می‌آیند. در ایران نیز فرهنگستان در سه دوره زمانی فرهنگستان ایران، فرهنگستان زبان ایران و فرهنگستان زبان و ادب فارسی که به فرهنگستان اول، دوم و سوم شهرت دارند، در امر برنامه‌ریزی زبانی ایران فعال بوده‌اند. رابین (۱۹۷۹) وضعیت برنامه‌ریزی زبانی در کشورهای مختلف ازجمله ایران را در قالب کتابی با عنوان «راهنمای سازمان‌های برنامه‌ریزی زبانی» نشان می‌دهد و بخشی را به فرهنگستان زبان ایران به‌عنوان تنها سازمان برنامه‌ریزی زبان اختصاص می‌دهد. فرهنگستان اول در سال ۱۳۱۴ تأسیس شد و عمدتاً در امر واژه‌گزینی فعالیت داشت و فعالیت آن تا زمان انحلال آن در سال ۱۳۳۳ ادامه داشت. فرهنگستان دوم در سال ۱۳۴۹

1 Uzbek

2 Turkomans

3 Qashqai

4 Khamse

5 Macran

6 B. Ingham

7 Armenian

8 Georgian

9 Cyriac

10 Nestorian Christian Assyrians

11 Ghorbati

12 Kauli or Gypsy

فعالیت خود را آغاز کرد و تا ۱۳۵۷ دایر بود. فرهنگستان سوم در سال ۱۳۶۹ تأسیس شد و فعالیت‌های خود را در گروه‌های پژوهشی مختلف بسط و ادامه داد.

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، مسئولان دولتی توجه بیشتری به امر آموزش و گسترش زبان، ادبیات و دستور فارسی نشان می‌دهند. در حال حاضر، «بنیاد سعدی» نهاد رسمی گسترش و تقویت زبان فارسی در خارج از ایران است. پیش از تأسیس این بنیاد، نهادها و مراکزی در حوزه آموزش زبان فارسی فعالیت می‌کردند، اما در این زمینه یکپارچگی لازم وجود نداشت. به گزارش ریاست این بنیاد، در حال حاضر ۳۴۰ کرسی زبان فارسی وجود دارد. بیش از ۳۰۰ استاد تدریس زبان فارسی را در جهان به عهده دارند که از این تعداد ۱۴۰ استاد بومی کشورهای خود هستند. بیش از چهارهزار دانشجو در دنیا زبان فارسی را برگزیده‌اند و پنج هزار نفر هم در رشته شرق‌شناسی مطالعه می‌کنند که این تعداد ناگزیر به یادگیری زبان فارسی هستند. در بخش گسترش کاربرد زبان و خط فارسی در ارتباطات نیز به گزارش وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، ایجاد خط فارسی در فضای فناوری تلفن همراه و سیاست‌گذاری‌های مؤثر در زمینه ارزان‌سازی قیمت پیامک فارسی، باعث شده است که امروزه بیش از ۹۵ درصد از تبادلهای پیامکی ایران به نگارش فارسی باشد. (گزارش گروه فرهنگی الف، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، نشست خبری آغاز ششمین سال فعالیت بنیاد سعدی).

ادبیات فارسی، دست‌مایه‌ای منحصر به فرد برای معرفی فرهنگ و تمدن ایران به جهان

با نگاهی گذرا به برنامه‌ریزی‌های کشورهای گوناگون برای احراز جایگاه علمی و فرهنگی خود در جهان و به‌ویژه در رایاسپهر، درمی‌یابیم که بسیاری از آنها با بهره‌گیری از همه‌داشته‌های علمی و فرهنگی خود و صرف هزینه‌های زیاد حتی برای بازسازی و احیای پیشینه تاریخی و تمدنی خود در تلاشند این جایگاه را ارتقا بخشند. کشور ایران با پشتوانه تاریخی کهن و گنجینه عظیمی از معارف، ادبیات و هنرهای بی‌همتا برای احراز جایگاه والا و شایسته خود، دستی پر و حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد. لزوم برنامه‌ریزی آگاهانه و بلندمدت برای معرفی، آموزش، گسترش و حفظ این میراث گرانبها برکسی پوشیده نیست.

مسائل جامعه‌شناختی زبان، عدالت زبانی و کاربرد زبان‌ها

جامعه‌شناسان زبان همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که تنوع در کاربرد زبان امری طبیعی است و زبان‌های مختلف و گونه‌های زبانی باید از ارزش برابری برخوردار باشند. با به رسمیت شناختن تنوع در اندوخته زبانی^۱ کودکان هنگام ورود به مدرسه، باید برنامه‌های آموزشی با هدف ارزش نهادن به دانش زبانی کودک در خارج از مدرسه و تفاوت زبان مادری او با زبان آموزش، تغییر کند.

امروز، یعنی در قرن بیست و یکم، با توجه به روند مهاجرت، شرایط به گونه‌ای است که بسیاری از کودکان به زبانی به غیر از زبان مادری‌شان در مدرسه آموزش می‌بینند و مجبور هستند که به زبانی روی آورند که به لحاظ

اجتماعی زبان فرادست و مسلط است. امروزه، به‌طور کلی، اعتقاد بر این است که بهترین شرایط برای کودکان آن است که آموزش اولیه‌شان به زبان مادری باشد؛ هر چند که بسیاری از والدین خودشان تمایل دارند که فرزندشان به زبانی آموزش ببیند که از نظر اجتماعی اعتبار بیشتری دارد. به باور کامینز^۱ (۱۹۹۶)، جامعه‌شناس سرشناس زبان، حدود ۵ سال طول می‌کشد که کودک زبان جدیدی را در سطحی که برای اهداف تحصیلی لازم است فرا گیرد (فرضیه آستانه^۲)، اما مفاهیمی که در زبان اول آموخته است می‌تواند به راحتی به زبان دوم منتقل شود.

به طور کلی، و به‌ویژه با نگاهی به جامعه زبانی ایران، برقراری عدالت زبانی در کنار حفظ انسجام ملی، حفظ و تقویت زبان ملی^۳ و رسمی^۴، ارزش نهادن بر تنوع‌های گویشی با برنامه‌ریزی جهت حفظ گویش‌های محلی و تنوع‌های زبانی در سطح کشور، تصمیم‌گیری در زمینه نظام خط با رویکرد تسهیل امر آموزش در داخل کشور و یا خارج از کشور با هدف گسترش کاربرد زبان، انتخاب زبان دوم و یا زبان خارجی که در مدارس تدریس می‌شود، برقراری عدالت آموزشی و غیره همه از مواردی است که در چارچوب برنامه‌ریزی زبانی قرار می‌گیرند.

مسائل مرتبط با یادگیری و آموزش زبان مادری، زبان دوم و زبان خارجی

بنا بر نظر میبین^۵ (۲۰۰۶: ۱۵۷-۱۶۳)، کودکانی که در محیط‌های چندزبانه^۶ بزرگ می‌شوند از همان سال‌های اولیه یاد می‌گیرند که چگونه زبان را با توجه به بافت محیطی و مخاطبشان به شیوه‌های گوناگون به کار ببرند. زمانی که درباره نقش زبان در آموزش سخن به میان می‌آید، باید به این نکته ضروری توجه کرد که در مدرسه و دانشگاه، زبان تنها وسیله‌ای برای آموزش و یادگیری نیست، بلکه هم‌زمان ابزاری است برای ایجاد ارتباط، بیان ارزش‌ها و ابراز هویت. هنگام ورود به مدرسه، بسیاری از کودکان شرایطی را تجربه می‌کنند که بین زبانی که در مدرسه به‌عنوان زبان آموزش مورد استفاده قرار می‌گیرد و زبانی که آنها در خانه با آن صحبت می‌کنند، تفاوت وجود دارد. یکی از راهکارهای پیشنهادی آموزش دوزبانه^۷ یعنی استفاده از دو زبان برای آموزش مدرسه‌ای است (کیم، ۲۰۱۵: ۱۰۷). محتوا و سطوح برنامه آموزشی این گونه مدارس در نواحی مختلف کشور متفاوت خواهد بود.

نقش سازمان‌های برنامه‌ریزی زبان در استانداردسازی واژگان و واژه‌گزینی

همانطور که در شرح برنامه‌ریزی زبانی ذکر شد، واژه‌گزینی و استانداردسازی واژگان از جمله اقدامات مهم در فرایند حفظ و گسترش یک زبان است. در ایران فرهنگستان زبان و ادب فارسی متولی امر واژه‌گزینی است و

1 James Cummins
2 Threshold hypothesis
3 National language
4 Standard language
5 J. Maybin
6 multilingual
7 bilingual education

تاکنون بیش از ۵۴ هزار واژه برگزیده است. البته چالشی که امروزه فرهنگستان در این زمینه با آن دست به گریبان است عدم استقبال فراگیر فارسی‌زبانان از برخی واژه‌های پیشنهادی است و از آنجا که هدف فرهنگستان صرفاً تولید واژه نیست، بلکه رواج آن در سطح جامعه نیز اهمیت دارد، از این رو شایسته است راه‌ها و روش‌هایی برای معرفی، توضیح و به‌کارگیری واژه‌های فرهنگستان اندیشیده شود.

زبان فارسی در رایاسپهر و رسانه

امروزه همه جنبه‌های زندگی بشر به‌گونه‌ای به اطلاعات وابسته گردیده و حتی ماهیت بسیاری از مفاهیم و پدیده‌ها تغییر کرده است. فضای بزرگی که اینترنت و همه جلوه‌های اطلاعی و ابزارها و فناوری‌های ارتباطی، الکترونیکی و رایانشی وابسته به آنها را پوشش می‌دهد سایبراسپیس^۱ و به پیشنهاد عاصی (۱۳۸۵) **رایاسپهر** نامیده می‌شود.

نخستین بررسی‌ها برای استانداردسازی خط فارسی در رایانه در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به‌وسیله کمیته مطالعاتی استاندارد تبادل اطلاعات فارسی انجام شد و در طی چند سال تغییر و در آذر ۱۳۷۱ در کمیته ملی استاندارد کامپیوتر با نام "استاندارد کد تبادل اطلاعات هشت بیتی فارسی" به تصویب رسید و در خرداد ۱۳۷۲ با شماره ۳۳۴۲ استاندارد ایران منتشر شد.

«زبان اینترنتی فارسی» یکی از گونه‌های زبانی فارسی است که متأثر از سرعت، تعامل کاربران، کارآمدی، غیررسمی و فی‌البداهه‌بودن در فضای الکترونیکی مجازی (رایاسپهر) برای ارتباط زبانی بین کاربران استفاده می‌شود و فضای مجازی همچون آزمایشگاه بزرگی است که خلاقیت‌های زبانی کاربران در آن تجربه می‌شود که می‌توان از ظرفیت‌های بسیار بالای رسانه‌های اینترنتی برای توسعه خط و زبان فارسی استفاده کرد (بیجن خان، ۱۳۹۱). جدیدترین گزارش از مرکز ملی فضای مجازی در فروردین ۱۳۹۷ نیز حاکی از آن است که گسترش استفاده از پیام‌رسان‌های اجتماعی در سال‌های اخیر از جنبه‌های مختلفی بر زبان و خط فارسی تاثیر گذاشته است؛ که از آن جمله می‌توان به ورود واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی این رشته به زبان فارسی، همچنین پیدایش شیوه‌های نوین نگارش متن و قلم‌های تازه و ابتکاری در خط فارسی اشاره کرد. نخستین برخورد رایانه با زبان فارسی نیز از طریق خط صورت گرفت، زیرا درونداد، ذخیره‌سازی، پردازش و برون‌داد داده‌های زبانی اغلب به صورت نوشتاری انجام می‌شود و البته همه از مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود در خط فارسی آگاهیم؛ از اینرو عاصی (۱۳۸۰) معتقد است برای این امر ناگزیریم ایجاد رویه‌های یکسان و استانداردهای رسمی و غیررسمی را بپذیریم.

در حوزه رسانه نیز زبان فارسی مورد توجه قرار داشته است، تا جایی که در سازمان صدا و سیما گروه پژوهشی با عنوان «زبان و رسانه» از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ در این زمینه فعالیت داشته است. این گروه در پی کوچک‌سازی و ادغام بخش‌های متعدد سازمانی، در بهمن ۱۳۹۳ از ساختار مرکز تحقیقات صدا و سیما حذف

شد و به شکل غیررسمی تا شهریور ۱۳۹۶ تحت عنوان واحد پژوهشی «فرهنگ مردم» به فعالیت خود ادامه داد.
فهرست منابع

بیجن خان، محمود، (۱۳۹۱). «خط و زبان فارسی در فضای مجازی»، همایش محتوای ملی در فضای مجازی، تهران، کنسرسیوم محتوای ملی.
رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۰). «زبان‌های غیرایرانی»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، صص. ۵۵۶-۵۵۱.
عاصی، مصطفی (۱۳۸۰). «نقش رایانه در ایجاد استانداردهای زبانی»، *درفرهنگ*، شماره ۳۷ و ۳۸.
عاصی، مصطفی (۱۳۸۵). «فارسی در رایاسپهر؛ جایگاه زبان فارسی در جهان نوین فناوری اطلاعات» در *پژوهشگران*، شماره ۳، صفحه ۲.
مدرسی، یحیی. (۱۳۹۱)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.
وارداف، رونالد (۱۳۹۳)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، ترجمه رضا امینی، بوکا.

Cummins, J. (1996) *Negotiating Identities: Education for Empowerment in a Diverse Society*, Ontario, CA: California Association for Bilingual Education.
Deumert, A. (2001). Language planning: models. *Concise Encyclopaedia of Sociolinguistics*. Amsterdam: Elsevier, 644-647.
Dominguez, F., Lopez, N. (1995). Sociolinguistic and Language Planning Organizations, John Benjamins.
Haugen, E. (1966). Dialect, Language, Nation 1. *American anthropologist*, 68(4), 922-935.
Ingham, B. (2006). "Iran: Language situation", In *Encyclopedia of Language and Linguistics*. Elsevier. Vol. 6. Pp. 16-17.
Kim, M. (2015). Bilingual Education for Minority Language Students in the US: Lessons from the Case of Elementary School in California, *Advanced science and technology letters*, 101, 106-109.
Maybin, J. (2006). Language and Education, in C. Llamas, L. Mullany, & P. Stockwell, (Eds.). *The Routledge companion to sociolinguistics*. Routledge.
Nordquist, J. (2017). *Participatory design beyond borders*. European Journal of Education, Wiley Online Library.
Rubin, J. (1979). *Directory of language planning organizations*. Honolulu, HI: East-West Center.
Schmitt, R (ed.). (1989). *Compendium Linguarum Iranicarum*, Wiesbaden: Verlag.
Wardhaugh, Ronald (2006). *An Introduction to Sociolinguistics* (5th Ed.). Blackwell publishing.